

ثانیاً وزارت مالیه هم مثل سایر وزارتخانهها و هیئت دولت محل اعتماد اکثریت مجلس شورای ملی است (جمعی از نمایندگان - صحیح است) و اگر محل اعتماد آقای شیروانی هم نیست هیچ و هنی باو وارد نیست .

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای شیروانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند . (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای روحی و شیروانی (این طور خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد می کنم : تبصره - وزارت مالیه اجازه نخواهد داشت که شهریه های بیش از ماهی پنجاه تومان را بپردازد

رئیس - بفرمائید .

روحی - آقای تین فرمودند بعضی شهریه بگیرها بقدری مستحق هستند که ماهی سه تومان و چهار تومان دارند لهذا بنده پیشنهاد کردم که شهریه بیش از پنجاه تومان داده بشود و تا پنجاه تومان داده شود و اگر آقایان نظری بشهریه بگیرها ندارند رای میدهند

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا (این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم برسم علی الحساب اضافه شود

مخبر - این صحیح است بنده قبول می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم که تبصره ذیل بماده واحده الحاق شود :

تبصره - مبلغ ده هزار تومان قیمت کارخانه های دستی مدرسه صنعتی دولتی از محل اعتبار دولت پرداخته خواهد شد

رئیس - بفرمائید

ضیاء - ماشین های مدرسه صنعتی تقریباً تمام شده است و در سنه گذشته هم هیئت وزراء تصویب کردند که کارخانه های دستی مدرسه صنعتی در اول سال باید دایر شود

و اگر این کارخانه ها نباشد مدرسه صنعتی هم مثل سایر مدارس طهران خواهد بود

صندوقها هم وارد شده است اسباب و اثاثیه هم تقریباً وارد سرحد شده است ولی مبلغش هنوز پرداخت نشده است بقیه این

کارخانه ها برسد هیئت محترم دولت هم در او اخر سنه گذشته تصویب کردند که از

مجلس اعتبار دولت پرداخته شود گویا در

اعتبار دولت محلی برای سنه گذشته نبوده این

صحت که بنده پیشنهاد کردم از همان محلی

که خود هیئت دولت تصویب کردند پرداخته شود

کفیل وزارت معارف - این مربوط بیک دوازدهم نیست این مسئله در هیئت

وزراء مذاکره شده و بیک لایحه هم وزارت معارف تهیه کرده است اگر لازم شد بمجلس

پیشنهاد می کند والا در بودجه اش خواهد نوشت

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای ضیاء را تصویب می کنند قیام فرمائید

(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد . دوفقره پیشنهاد دیگر هم بود که مسترد کردند رای میگیرم

بماده واحده با ورقه بضمیمه اصلاحی که شاهزاده محمد هاشم میرزا پیش نهاد

کردند جهانشاهی - بنده پیشنهاد تجزیه

کردم

رئیس - چه میفرمائید؟

جهانشاهی - بنده کتباً یک پیشنهادی تقدیم کردم که یکدواز هم تجزیه شود

یعنی نسبت بشهریه و مستمری بطور تجزیه رای گرفته شود

رئیس - رد شده است . رای میگیریم باور فرمایند آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد .

ورقه سفید علامت قبول ۸۰

رئیس - عده حضار ۹۷ با ۸۵ رای تصویب شد .

اسامی موافقین آقایان : آقامیرزا سید حسن کاشانی - آقارضا تجدد - عظیمی -

داور - هایم - اکبر میرزا - نجات - فرمند - فرج الله خان آصف - آقاشیخ محمد تقی

ذوالقدر - آقا سید مصطفی بهبهانی - آقا میرزا حسین خان اسفندیاری - آقامیرزا علی

خان خطیبی - ابوالحسن خان پیرنیا - حاج حسن آقا ملک - آقا سید ابراهیم ضیاء -

آقا میرزا فتح الله خان اکبر - آقامیرزا صادق خان اکبر - ضیاء الاطباء - دکتر امیر خان

اهلم - حاج سید عبدالعلی دیبا - آقا شیخ محمد علی طهرانی - غلامحسین میرزا -

قائم مقام - آقا میرزا محمد خان مصدق - حاج میرزا هدیرضا - حاج آقا رضارفعی -

آقا میرزا عبدالله خان معتمد - حاج شیخ عبدالرحمن - دست قیب - سلیم خان ایزدی -

هر ترضی قلی خان بیات - روحی - دولت آبادی شریعت زاده - دکتر حسین خان بهرامی -

صدرالعلماء مفتی - تین - وحیدالدوله - فیروز میرزا فیروز - آقا میرزا یدالله خان -

صدرائی - آقا میرزا آقاخان - کی استوان - خواجوی - آقا سید مهدی خان فاطمی -

حاج میرزا اسدالله خان - هرمزی - حبیب الله خان شادلو - آقا میرزا محمدخان معظمی -

صدیق السلطنه - ارباب کیخسرو - سهراب خان - اسکندری - شریعتمدار - یاسائی - دکتر

آقایان - آقامیرزا حبیب الله خان کمالوند - تقی راده - رهنما - آقا سید علاءالدین بهبهانی -

مهدی خان زاهدی - آقامیرزا شکرالله خان قوام صدوری - اسمعیل خان قشقائی - آقامیرزا

احمد خان اتابکی - آقا میرزا جواد خان خونی - آقا میرزا حسین خان دادگر -

شوشتری - مستوفی الممالک - آقا میرزا حسن خان پیرنیا - محمد هاشم میرزا -

محمد ولی میرزا - سالار اشرف - علائی - افشار - آقا میرزا سید احمد احتشام -

سلطان ابراهیم خان افخمی - آقا شیخ هادی طاهری - آقا سید عبدالعلی میرزائی

ناصر ندامانی - آقامیرزا سید احمد خان اعتبار - سلیمان میرزا - آقا میرزا عبدالحسین صدر -

آقا میرزا رضاخان حکمت . مخالف - آقای شیروانی .

رئیس - آقای بیات (اجازه)

بیات - بنده می خواستم راجع بدستور پیشنهاد کنم که لایحه ممیزی جزو دستور

شود .

رئیس - دستور قبلاً معین شده است عرض میکنم اگر خواستید تغییر دهید رای میگیرم

خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین بلژیک یکی یکی هم راجع بسجل احوال است

ویکی هم راجع باوزان و مقادیر . جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - همینطور باشد؟

بعضی از نمایندگان - بلی (مجلس یک ساعت و ربع بمدان ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا

منشی - شهاب

منشی دکتر احتشام طباطبائی

جلسه صد و هفتاد و پنجم صورت مشروح مجلس یکشنبه

دهم خرداد ۱۳۰۴ مطابق هشتم ذی القعدة ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای آقامیرزا حسینخان پیرنیا

تشکیل گردید (صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقاشیخ فرج الله (اجازه)

آقای شیخ فرج الله - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - بنده هم قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - قبل از دستور

رئیس - آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد - بنده در دستور عرض دارم .

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - در دستور عرض دارم

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - در صورت مجلس ابراری نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقای آقاشیخ فرج الله (اجازه)

آقاشیخ فرج الله - تقریباً هشت ماه است که از طرف نماینده محترم آقای

سرکشیک زاده یک لایحه راجع بمنع استعمال مواد الکلی بمجلس تقدیم شده و ارجاع

شد بکمیسیون مبتکرات در کمیسیون مبتکرات هم قابل توجه شد و آمد بمجلس و

در مجلس هم قابل توجه شد و در پنجم جدی که پنجمه قبل باشد ارجاع شد بکمیسیون

قوانین مالیه و الان پنجمه است که در کمیسیون قوانین مالیه مانده است .

نظر باین که این لایحه بهترین لایحه ایست که تقدیم مجلس شورای ملی شده

است و عموم آقایان نمایندگان طرفدار آن هستند .

از این جهت بنده از مقام ریاست تقاضا میکنم که بکمیسیون تذکر داده شود که

پیش از دوام کمیسیون حق ندارد یک لایحه رانگاه دارد و اگر بیش از دو ماه در

کمیسیون مانده صاحب لایحه حق دارد تقاضا کند جزء دستور شود باین جهت تذکر

داده شود زودتر راپورت این مسئله را بمجلس بفرستند

رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - از رای مهمی که مجلس شورای ملی برای قندو شکر داد یک قدم

بزرگی بود برای سعادت مملکت و بنده از طرف مجلس شورای ملی تهنیت میگویم

بدولت حاضر برای این نیت مقدس یعنی آوردن لایحه خط آهن بمجلس .

بعقیده بنده برای ترقی و سعادت یک مملکت در دنیای امروزه سه قوه و سه

استعداد لازم است اول استعداد اخلاق ملی .

دوم استعداد علمی . سوم استعداد مالی و اقتصادی . برای این که یک می داری

اخلاق ملی بشود رؤسائی لازم است که (العمدات ما حالاً رؤسائی داریم) اخلاق

ملی را تربیت کنند چنانچه در دوره هخامنشی هاسلاطین ایران اخلاق ملی را طوری

تربیت کرده بودند که یک نفر ایرانی در تمام سرتاسر امپراطوری بآن عظمت دروغ

گفتن راجائز نمیدانست یعنی بمهمله اش

خطور نمیکرد که ممکن است دروغ گفت .
 بنده حالا نمیخواهم شرح دهم که اخلاق ملی در آنوقت چگونه بوده است زیرا از مبحث بنده خارج است اما قوه و استعداد علمی
 امروز (در قرن بیستم) و سائنس کاملاً اروپا و آمریکا فراهم است و ما می توانیم بایک کوشش مختصری از آن زحماتیکه دیگران کوشیده استفاده کرده و استعداد علمی را کسب کنیم .
 اما استعداد اقتصادی :
 امروز دنیا منوط بفرآهم بودن وسائل حمل و نقل و خط آهن است .
 هر مملکتی که بخواهد برای استعداد اقتصادی خودش قدمی بردارد . ابتدا باید وسائل نقلیه اش را فراهم کند .
 آنچه بنده تصور میکنم برای اینست مملکت ما از حیث زراعت و فلاحت بتواند با ممالک متقدمه دنیا همسری نماید .
 تصور میکنم هزارویانصد فرسنگ راه - آهن لازم دارد که تمام باند و شهرهای ما بهم وصل شوند و البته همچو راه آهنی تقریباً یانصد ششصد کروور توان پول لازم دارد .
 امروزه هم بودجه مملکت ما این اجازه را بمانمیدهند که مبادرت باین خیال بزرگ بشائیم .
 ولی امیداریم که انشاءالله بزودی يك رشته راه آهنی که پیدا کردیم ولدت آنرا بردیم در ظرف ۱۰ یا بیست سال موفق شویم که تمام این هزارویانصد فرسنگ را خط آهن بکشیم .
 امروزه که قدم اول برای راه آهن برداشته شده تصور میکنم هم دولت هم مجلس شورای ملی سعی باشند و جدیت کنند که انشاءالله هرچه زودتر لایحه راه - آهن بمجلس شورای ملی بیاید و بلکه انشاءالله تصویب آن لایحه جزو افتخارات و کلای دوره پنجم و دولت حاضر بشود .
 بنده میخواهم از آقایانی که در کمیسیون فقط سمت عضویت دارند استعفا میکنم که کمیسیون فقط را تشکیل بدهند و از دولت تقاضا کنند که مسئله نفت را که این اندازه مورد توجه عموم ایرانیهاست زودتر به یکجائی برسانند و معلوم شود آیا کمپانی سینگر برای نفت شمال حاضر است یا خیر؟
 اگر حاضر است با او صحبت کنند و تمام کنند .
 اگر حاضر نیست کمپانیهای دیگری هستند که ممکن است آنها حاضر شوند برای معامله ایران .
 و در این مسئله نفت شمال میشود ضمیمه کرد مسئله يك امتراضی یا کشیدن خطوط آهن که فعلاً منبع وثیقه آنرا پیدا کرده ایم .

بنده میخواهم از آقایان استعفا کنم کمیسیونرا تشکیل دهند و موضوع نفت را مطرح فرمایند تا معلوم شود تکلیف ما با کمپانی های نفت چیست .
 آیا کمپانی سینگر میخواهد کمپانی استاندارد یا کمپانی های دیگر حاضر میشوند ؟
 که انشاءالله در این دوره هم لایحه نفت را بگذرانیم و هم شروع بکشیدن خط آهن کرده باشیم .
 رئیس - يك فقره لایحه راجع بخرید مستمریات رسیده است باید معلوم شود به کدام کمیسیون باید مراجعه شود بکمیسیون بودجه یا قوانین ماله .
 بعضی از نمایندگان - بهر دو رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 کازرونی - بنده هم میخواستم عرض کنم بهر دو مراجعه شود .
 رئیس - مخالفی ندارد؟
 آقای تدین .
 (اجازه)
 تدین - بنده از حیث کمیسیون بودجه این عرض را نمیکنم میخواهم عرض کنم که بعقیده بنده این قبیل لایحه خرید یا فروش که از طرف دولت پیشنهاد میشود چیزیست که چندان مربوط بکمیسیون قوانین ماله نیست .
 رئیس - در راجع بکمیسیون بودجه که مخالفی نیست .
 راجع با راجع بکمیسیون قوانین ماله هم کسی پیشنهاد نکرده است اگر پیشنهاد شد رأی میگیریم .
 راجع به دستور پیشنهادی شده است که قانون ممیزی در درجه اول جزو دستور رضوی - بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم .
 تقریباً چهار سال است که این قانون ممیزی بمجلس آمده است و هی بعضی محظورات بر خورده است و همینطور مانده است .
 بعقیده بنده واغلب آقایان نمایندگان این يك قانونیست که باید بوسیله آن تکلیف دهاتی که جدیداً آباد شده و دهاتی که مغروبه شده باید معین شود .
 بعضی دهات است که جزو معش صد خروار است و امروزه ده خروار هم نمیتواند بدهد و دولت هم نمیتواند وصول کند .
 بعضی دهات هم هست که جدیداً آباد آباد شده و اینها هیچ مالبات بدولت نمی دهند این که بنده تقاضا کردم این مسئله در مرتبه اول جزء دستور شود که هم تکلیف اشخاص معلوم شود و هم دولت و مردم از این حیثیات راحت شده و عواید دولت هم اضافه شود .

رئیس - آقای فاطمی .
 (اجازه)
 فاطمی - این دلایلی که آقایان فرمودند بنده يك دلایل زیادتری دارم که هر چه بتوانیم باید در گذشتن قانون ممیزی تسریع کنیم و همه آقایان هم موافقت ولی قانون ممیزی يك قانونی است که بنده صلاح نمیدانم در بینش وقفه واقع شود .
 شور اولش هم شده و این شور دومش است اگر در دستور واقع شود دو جلسه سه جلسه تمام وقت مجلس باید منحصر بهمان قانون باشد تا بگذرد و امروز دو سه چیز در دستور داریم که آنها هم در حدود خودشان خیلی لازم هستند .
 یکی لایحه کثرتات بلژیکیهاست که عن قریب مدت کثرتات آنها منقضی میشود و باید آنها تکلیف خود را بدانند و معلوم شود مجلس کثرتات آنها را تصویب میکند یا نه .
 یکی لایحه سجل احوال است که با الغاء القاب مردم دچار اشکال شده اند و زود باید تکلیف آن معلوم شود یکی هم قانون اوزان و مقادیر است که ممکن است امروز اینها را تمام کنیم بعد در جلسه سه شنبه شروع میکنیم بقانون ممیزی .
 رئیس - رأی میگیریم بپیشنهاد آقای رضوی آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (جمعی برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای اتحاد .
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم دستور امروز بترتیب ذیل معین شود :
 اول قانون اوزان و مقادیر .
 دوم قانون سجل احوال .
 سوم لایحه مستخدمین بلژیکی اتحاد - بنده تصور میکنم آقایان تصدیق میفرمایند که قانون اوزان و مقادیر يك ماده اش بیشتر باقی نیست و لایحه سجل احوال هم دوسه ماده بیشتر باقی ندارد ولی قانون استخدام مستخدمین بلژیکی ممکن است زیاد درش صحبت شود .
 از این جهت بنده پیشنهاد کردم که ابتدا لایحه اوزان و مقادیر بعد سجل احوال و بعد از آن لایحه مستخدمین بلژیکی مطرح شود .
 رئیس - رأی میگیریم .
 آقایانیکه پیشنهاد آقای اتحاد را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب برخاستند)
 رئیس تصویب شد .
 راپرت کمیسیون فوائد عامه مطرح است .
 (بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون فوائد عامه در جلسه سوم خرداد پیشنهاد آقایان نمایندگان محترم را راجع به جدول مقیاسهای وزن از قانون توحید اوزان و مقادیر با حضور وزیر محترم فوائد عامه در تحت شور قرار داده بایشهاد آقای تدین نماینده محترم بدلائلی نتوانست موافقت نماید
 و پیشنهاد راجع بباره الحاقیه را تصویب و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد
 ماده الحاقیه - دولت مکلف است اوزان فلزی را که در مملکت تا تاریخ اجرای این قانون موجود در عرض اوزان جدید از همان فلز با کسر سه عشر اوزان قبول نماید
 رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
 دامغانی - غرض از تنظیم این ماده آنروز که اینجا پیشنهاد شد این بود که دفع يك ضرری از عامه مردم شده باشد و سنگهای فلزی موجود که در دست مردم است بکلی از بین نرود که ضرری متوجه آنها بشود
 باین جهت این ماده نوشته شد که دولت مکلف باشد سنگهای فلزی مردم را بگیرد و با سه عشر کمتر آنها را اجرت ساخت است
 سنگهای فلزی که خود دولت میسازد بخود آنها بدهد
 متأسفانه این ماده آن نظر را تامین نمیکند زیرا نوشته است
 دولت مکلف است که اوزان فلزی را که در مملکت تا تاریخ اجرای این قانون موجود است در عرض اوزان جدید از همان فلز با کسر سه عشر اوزان قبول نماید
 بنده با این عبارت (از همان فلز) که اینجا نوشته شده است مخالفم .
 برای اینکه سنگهای فلزی که در دست مردم است یکسنگهای معینی است که اغلب با آهن است یا سرب و سنگهایی که دولت میدهد اغلب از يك فلزهای مرکبی است
 و اینطور که عبارت از این ماده نوشته شده معنی اش این است که عین همان فلزی که دولت میدهد مردم باید بیاورند و سه عشر کمتر عرضش از سنگهایی که دولت ساخته بگیرد
 و باین ترتیب سنگهای فلزی از قبیل آهن و سرب غیره که در دست مردم است بکلی از بین خواهد رفت
 و بعقیده بنده برای تامین مقصود باید نوشته شود :
 در عرض اوزان جدید فلزی با کسر سه عشر و این لفظ (از همان) را باید حذف کرد
 کازرونی مخبر - آقای دامغانی در کمیسیون تشریف داشته که آقای وزیر فوائد عامه سنگهایی که برتیب داده

بودند نشان دادند و خود آقای دامغانی هم آستنگهار ملاحظه فرمودند که از آن بود
یعنی صورت ظاهرش آهن است حالا ما بایستیم آنها را تجزیه کنیم که از چه جنسهائی ترکیب شده اند از روی ندارد
مقصود ما اینست که سنگهاییکه در دست مردم است بیاورند و با کسر سه عشر از سنگهای جدیدی که دولت ساخته است بگیرند
این مقصود ما دولت است حالا این دقتها را بکنیم که فرضاً يك کسی سنگ مسی بیاورد رسیده است چه کند
اینها يك چیزهای زائد است زیرا در سرتاسر مملکت پنجاه من سنگ مس یافت نمی شود
مقصود اینست که سنگهای آهنی را بدهند و سنگهای آهنی که دولت ساخته بگیرند و مخصوصاً رعایت آسایش مردم شده است
و حتی گمانیکند دولت مجبور باشد که مقداری هم از طرف خودش با شخص مدد کند
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - ماده الحاقیه قرائت میشود (بشرح فوق خوانده شد)
رئیس - رای می گیریم
آقایانی که ماده الحاقیه را تصویب می کنند قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)
رئیس تصویب شد
پیشنهاد آقای تدین (باین مضمون خوانده شد)
پیشنهاد میکند که کلمه اعشاری بعد از جمله اصناف و اجزاء فرعی اضافه شود
رئیس - تبصره بطوریکه آقای تدین پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (اینطور خوانده شد)
تبصره - دولت می تواند محض سهولت معاملات اجزاء و اصناف فرعی اعشاری برای مقیاسهای وزن تهیه نماید
رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین اولاً در اینجا تصور می کنم آقایان اعضاء محترم کمیسیون فواید عامه درست دقت فرموده اند و قتیکه بقانون سیستم مطریک مراجعه شود در هیچکجای این چنین عبارتی یافت نمیشود
این يك مسئله خیلی واضع است
بنده مقصود آقایان را می دانم چیست ولی این عبارت برای مقصود آقایان کافی نیست
در سیستم متریک اصناف و اجزاء باید بوده بالا برده و دهه پائین بیاید شود

کلمه فرعی مقصودی را که آقایان دارند و حالا عرض میکنم تأمین نمیکند ممکنست شمس درجه اصناف برای طول قائل شوید و آنها را اصلی قرار دهید و درجه چهارم هم برایش قائل شوید و آن درجه را فرعی قرار دهید
و همچنین در اجراء سه درجه بر اصل و یک درجه هم که در مرحله چهارم است درجه فرعی برای آن قائل شوید
مثلاً ما سنگ را هزار درم قائل شده ایم و سه سنگ هم داشته باشیم
اسم بنم سنگ یا دو سنگ و سه سنگ اصناف و اجزاء فرعی نیست
باید اینرا بگوئیم دولت در مابین اجزاء و اصناف میتواند اصناف فرعی تهیه کند
اینترتیب ممکن است و همینطور در سایر جاهام معمول است
مثلاً نیم کیلو و سه کیلو و یازده کیلو گرمی هست
حالا اگر مقصود کمیسیون همین است که عرض کردم عبارت باید عوض شود یعنی نوشته شود بین اجزاء و اصناف دولت میتواند اجزاء فرعی تهیه کند
و اینطریق بهتر مقصود را میرساند
پس آقایان دقت فرمودند که بنده مقصود را خوب تلفظ شده ام
پس اگر همین عبارتی که نوشته شده است باقی باشد کلمه اعشاری بعد از اصناف و اجزاء لازم است و اگر هم عبارت را تغییر میدهم منظور که عرض کردم باید نوشته شود
مخبر - پیشنهاد آقای تدین در کمیسیون مورد دقت واقع شد
والبته چون آقای تدین همیشه از روی دقت پیشنهاد میفرمایند ما هم دقتهای لازمه را در پیشنهاد ایشان کردیم
بنده نمیدانم اصلاً منشأ و اشتباه کجا است
اصلاً مقصود از اصناف و اعضاء اعشاری اینست که در حساب و در داد و ستد از روی اعشاری پیش بیایند و در اینجا این مقصود کاملاً تأمین شده است
مثلاً فرض کنید قران ما اعشاری است هزار دینار یک قران است
اگر یا نصد دیناری یعنی ده شاهی ساختیم برخلاف اعشاری است؟
یا اگر پنجاه دیناری ساختیم برخلاف اعشاری است
شیر حالا اگر مقصود آقایان اینست که فی مابین اصناف و اجزایهم از روی اعشاری ساخته شود این عبارت این مقصود را هم تأمین می کند
و اگر هم کلمه ما بین را میفرمایند لازم است و با توضیحاتی که آقای تدین دادند بنده دیگر زائد میدانم چیزی عرض نکنم

ولی بعقد کمیسیون کلمه زائیدی است و بالاخره همین عبارت کاملاً نظر آقایان را تأمین میکند
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - بنده با پیشنهاد کمیسیون موافقم
رئیس - آقای زعیب (اجازه)
زعیب - بنده هم با پیشنهاد کمیسیون موافقم
رئیس - شاهزاده غلامحسین میرزا (اجازه)
غلامحسین میرزا - مقصود کمیسیون همین همان توضیحی است که آقای تدین فرمودند
مقصود اینست که اگر مثلاً دولت خواست پنج کیلو گرمی یا ده کیلو گرمی هم بسازد
حالا اگر عبارت را کافی بمقصود نمی دانند یک طوری پیشنهاد میفرمایند کمیسیون هم می پذیرد ولی گمان میکنم این عبارت هم کاملاً مقصود را تأمین میکند
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - مقصود دولت و کمیسیون اینست که سنگهایی که ساخته میشود بترتیب اعشاری باشد
ولی وقتیکه ما اسکناس يك تومانی درست کردیم
چه اشکال دارد که اسکناس سه تومانی و پنج تومانی هم داشته باشیم
این هیچ منافاتی ندارد ما اصول اعشاری را قبول کردیم حالا هم دولت را آزاد میگذاریم که اگر سنگ سه کیلو گرمی یا پنج کیلو گرمی هم خواست درست کند آزاد باشد
هیچ منافاتی هم ندارد والا فرضاً اگر دولت خواست سنگ نیم درمی درست کند بگوئیم مطابق اعشاری نیست
ما اصول را اعشاری قائل شده ایم حالا سنگ های فرعی هم فرضاً پنج کیلو گرمی یا هفت کیلو گرمی بسازند هیچ مانعی ندارد بعلاوه همین ترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده است با موافقت نظر دولت بوده است و کاملاً مقصود را تأمین میکند
رئیس - آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - بنده تصور میکنم نظر آقای تدین تأمین نشده است و بایستی درست توضیح داده شود تا نظر ایشان تأمین شود
بعقد بنده هم کلمه اعشاری اینجا لازم است و با توضیحاتی که آقای تدین دادند بنده دیگر زائد میدانم چیزی عرض نکنم

اگر اینجا بطور کلی نوشته شود دولت میتواند اصناف و اجزاء فرعی تهیه کند و لغظ اعشاری قید نشود ممکن است دولت يك سنگهای بسازد که مطابق تقسیمات اعشاری نباشد
مثلاً اگر يك سنگ هفت درم و نیمی یا شش درمی بسازند چون اعشاری نیست مطابق این قانون معنی ندارد و از نقطه نظر سهولت ما همیشه باید ترتیبی قرار دهیم که معرجه ده ده و صد صد بالا برود و پائین بیاید بنا بر این لازم است در اینجا لفظ اعشاری اضافه شود
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رای می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)
رئیس - اکثریت است (خطاب به آقای تدین) آن پیشنهاد اولی را پس می گیرند؟
تدین - بلی آن پیشنهاد اولی را پس می گیریم و این پیشنهاد را تقدیم می کنم
رئیس - نیشود زیرا باید دوباره مذاکرات شروع شود رانی که امر روز میگیرم قطعی است قابل توجه نیشود
تدین - اگر کمیسیون قبول کند قطعی میشود
(پیشنهاد آقای تدین اینطور خوانده شد)
پیشنهاد می کنم که تبصره اینطور مقرر گردد - تبصره - دولت میتواند اوزان فرعی برای سهولت معاملات تهیه نماید
مخبر - اینرا می پذیرم
رئیس - بسیار خوب - رای میگیریم
تبصره بترتیبی که قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)
تبصره - دولت میتواند اوزان فرعی برای سهولت معاملات تهیه نماید
رئیس - آقایانی که این تبصره را تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
يك هنوز رای نگرفته ایم
(اینطور قرائت شد)
در اصناف مقیاس سطح مقصود از گز مربع همه جا همانست که در عرف عامه (ذرع مضروب) می نامند
رئیس - رای می گیریم آقایانی که این تبصره را تصویب می کنند قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)
رئیس - تصویب شد
جدول نمره دو

(اینطور خوانده شد)
منتها اختلافی که اوزان با مقیاسها میتوانند بواسطه كثرت استعمال و با علل دیگر با اوزان و مقیاسهای رسمی داشته باشند از اینقرار است
۱- در هر قسم مقیاسهای طول و وزن منتها تفاوتی که پذیرفته میشود اضافه يك دربانصد نقصان يك در هزار
رئیس - مخالفی ندارد؟
(بعضی نمایندگان گفتند خیر)
رئیس - آقایانی که این قسمت را تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد
قسمت دوم (باین طریق خوانده شد)
در هر قسم مقیاسهای پیمانه منتها تفاوتی که پذیرفته میشود اضافه از یک رطل کمتر يك در شصت و نقصان از يك رطل کمتر يك در شصت
از يك رطل بیشتر يك در شصت
صد و بیست
رئیس - آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده راجع باین موضوع در کمیسیون هم يك عرایضی عرض کردم ما در قانون نمی توانیم اجازه يك ادنی تغلفی را هم بدهیم
البته آقایان تصدیق می فرمایند هر چیز از ابتدا قلیل است بعد كثیر میشود
بنده اجازه قانونی دادن حساب نشدن این اندازه كم یا زیاد را مخالفم البتة واقع میشود ولی اجازه قانونی نباید داد و باین جهت بنده پیشنهاد کردم حذف شود زیرا وقتی در قانون اجازه فی الجمله اختلافی داده شود دیگر نمی توان جلو گیری کرد
باین جهت بنده مخالفم
مخبر - اولاً اینجا نوشته شده است که حتماً باید این اضافه و نقصان را در سنگها بگذارند مقصود اینست که اگر این اندازه اختلاف پیش آمد اشکالی نداشته باشد
اگر مراجعه فرمائید به جوازاتهای که برای متخلف از قانون نوشته شده تصدیق می فرمائید که لازم است این مسئله اینجا ذکر شود
که اگر این اندازه اختلاف پیش آمد آن مجازاتها درباره اشخاص اعمال نشود و لازم است این مسئله پیش بینی شود
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - رای می گیریم بکفایت مذاکرات ولی دلیلی ندارد که هر لفظی هم که آنجاها

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است
آقای یاسائی
(اینطور خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم در مقیاس وزن اضافه شود
من ده هزار درم کنتان خروار صد هزار درم تن
یاسائی - غرض از وضع این قانون قبول کردن همان سیستم متریک است و ما اینجا تا يك مقدار وزن را معین کرده ایم در صورتی که در دنیا يك چیزهایی هست که با يك اوزان دیگری سنجیده میشوند از قبیل ذغال سنگ و اگر بنا باشد با سنگ بخواهند آنرا بکشند اعدادش خیلی زیاد می شود و بعقد بنده همانطور که بنده پیشنهاد کرده ام باید يك اوزان دیگری برای سنجیدن این قبیل چیزها معین کرد
حالا یا بهمین ترتیب که بنده پیشنهاد کرده ام یا اینکه اسامیش را تغییر بدهند و يك اسمی دیگری قائل شوند ولی اینطور که بنده پیشنهاد کرده ام بهتر است من با سه سنگ کمی اختلاف دارد و اینوزن معمول هم هست
مثلاً از قراری که بنده تحقیق کرده ام در توپسکان سه من تبریز را يك من می گویند و این مساوی است با همینوزنی که بنده پیشنهاد کرده ام و همینطور در عرض خروار خوب است تن را قرار دهیم که معمول هم هست و اینترتیب هیچ اشکالی هم ندارد و خیلی خوب است
زیرا وقتی که ما كيلو گرم را برای يك موردی استعمال میکنیم ضرورت نخواهد داشت که تن و کنتال را در يك مورد دیگری استعمال نماییم
دیگر بستمه بنظر آقایان است
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - متأسفانه بنده با این پیشنهاد کاملاً مخالفم
زیرا ما برای وارد شدن در میدان تمدن اصول متریک را قبول کردیم ولی دیگر لزومی ندارد که هر چه لغات در اروپا معمول است ما قبول کنیم
ما مجبور نیستیم تون و کفقال (خنه) نمایندگان) و این قبیل لغات را متداول کنیم
برای اینکه اوزان مختلفه مملکت را بصورت واحدی در آوریم بسیار خوب لازم بود که اصول متریک را قبول کنیم ولی دلیلی ندارد که هر لفظی هم که آنجاها

معمول است ما قبول کنیم
بعلاوه ما احتیاجی نداریم مگر گفتن خروار مصیبت است؟
ما باید هر اندازه که محتاجیم قبول کنیم و آنچه را که احتیاج نداریم از روی ندارد قبول کنیم
رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟
مخبر - رای بگیریم کمیسیون نمیتواند قبول کند
رئیس - رای میگیریم آقایان موافقت قیام فرمایند
(چند نفری قیام کردند)
رئیس - قابل توجه نشود پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا
(بشرح ذیل خوانده شد)
تبصره - پیشنهاد میکنم این زیاد و نقصان اگر واقع شود حق شکایت کننده را از مد نظر حقوق سلب نخواهد کرد
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم در بین مذاکراتی که شد يك نظر افراط و تفریطی در کار بود
بعضی از آقایان تصور کردند که اگر يك سی ام یا يك شصتم اضافه و نقصان را قائل شوند
اینترتیب با اصولی که قبول کرده اند منافات دارد در صورتی که منافاتی ندارد و البته از مد نظر مجازاتی که باید در قانون برای متخلف از قانون نوشته شود باید يك حدی برای اضافه و نقصان قرار داد ولی سوء تفاهم نباید بشود که این ترتیب مد نظر حقوقی را از بین نبرد
یعنی ممکن است يك وقتی الماس یا يك چیز قیمتی را بفروشد آنوقت اضافه و نقصان برای يك طرف قابل جزا است
در این صورت حق خریدار با فروشنده از مد نظر حقوقی باقی خواهد بود
حالا که ما از لحاظ مجازات قانون يك پیش بینی هائی میکنیم نباید تصور شود که از نقطه نظر حقوقی هم حق اشخاص از بین خواهد رفت مقصود این است که در مجلس مذاکره می شود مطلب اظهار شود تا اشتباهی واقع نشود فرض این است
اگر آقایان هذا کرات را برای مقصود کافی می دانند که بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم والا لازم است این تبصره اضافه شود
مخبر - آقای شیخ الرئیس تصدیق می فرمایند که این قانون را ما از نقطه نظر حقوق و محاکمات وضع نکرده ایم بلکه فرض از وضع این قانون این است که برای مردم در مقابل دولت و دولت در مقابل مردم راجع بكم و زیاد اوزان يك تکلیفی معین

شده باشد
باین معنی که اگر يك وزنی كم و كسر شد چه باید بشود
اما اینکه میفرمائید اگر کسی بخردار كم داد چه باید بشود
باید آنچه كسر داده است از او بگیرند و بخردار بدهند و ذكرا این مطلب بمقصود منافات دارد و از این جهت لازم نیست که ما در اینجا بتوسیم نه اگر کسی ده سیر یا دوسیر كم داد چه باید بشود؟
ما فقط در اینجا می گوئیم و معتقد می شویم که اگر وزن سنگش كم شد از این حیث مجازاتی متوجه او نیست
رئیس - رای می گیریم پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا
آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند
(کسی قیام نکرد)
محمد هاشم میرزا - برای اینکه مقصود بنده مذاکره شود این پیشنهاد را درم حالا مسترد میدارد
رئیس - قابل توجه نشود
مذاکرات راجع بکلیات است مخالفی ندارد؟
آقای سلطانی (اجازه)
سلطانی - بنده ماده الحاقیه ای پیشنهاد کردم
(ماده الحاقیه پیشنهادی آقای سلطانی بشرح ذیل خوانده شد)
ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنیم
ماده الحاقیه - اوزان و مقادیری که دولت تهیه می کند نباید بیش از نیم بشود
قیمت تمام شده اضافه نماید و اوزان و مقادیری که سایرین تهیه می نمایند دولت برای وضع علامت دولتی نباید بیش از نیم عشر از قیمت تمام شده دریافت نمایند
رئیس - آقای سلطانی (اجازه)
سلطانی - بنده در شورای اول و دوم این پیشنهاد را کردم و بعضی مذاکرات هم کردم و در مجلس هم قابل توجه شد و نمی دانم از چه نقطه نظر در کمیسیون قابل توجه شد
بنده در خارج هم که با آقای مخبر راجع باین ماده الحاقیه مذاکره کردم فرمودند عیبی ندارد
ولی همچو معلوم می شود که در کمیسیون مورد مذاکره نشده و بنده عقیده دارم که این ماده بقانون الحاق شود و این مسئله هم ربطی بعسن ظن و وسوسه بطلان ندارد
نهایت حسن ظن و اطمنان را هم بدوالت داریم بلکه فرض اینست که اسباب زحمت مردم نشود و البتة قانونی که وضع می شود برای آسایش مردم است نه برای زحمت مردم

خوب اگر دولت گفت سنک بیست متقالی يك تومان و سنك يك منی پنج تومان چه مانعی دارد ؟

اینست که بنده اینطور پیشنهاد کردم و امیدوارم آقایان مورد توجه قرار دهند تارای فطعی بشود

معتبر علت اینکه این پیشنهاد آقادر کمسیون قابل توجه نشد

این بود که کمسیون نمیخواست دولت اصلا اضافه بگیرد بلکه ما اینطور عقیده داریم برای اینکه این قانون اجراء و عملی شود لازم است دولت مقداری هم ضرر کند

حالا با تعالی پیشنهاد می فرمائید که نیم عشر دولت صرفه ببرد ؟

چون ما دلیلی برای این نیم عشر صرفه نندیدیم از این جهت در کمسیون قابل توجه نشد

رئیس- رای می گیریم بقابل توجه بودن این ماده الحاقیه

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس- قابل توجه شد

در کتبات مخلفی نیست ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس- رای گرفته می شود بجموع لایحه که مشتمل بر بارزه ماده است آقایای که موافقت قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس- تصویب شد

قانون سبج احوال مطرح است . مواد ۹۰ و ۹۱ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۲۷۲ که مراحه شده بود بکمسیون راپرتش حاضر است ماده بهم قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۹۰ - از تاریخ تاسیس شعب سبج احوال در هر محل پدر و در غیاب او مادر در مواد تولد و شوهر در مورد ازدواج و طلاق باید منتهی در ظرف ده روز از تاریخ وقوع تولد یا ازدواج و یا طلاق را با شهادت دو نفر که هویت آنها از طرف نظمی یا حکومت یا کتخدای محل تصدیق شده باشد بمأمور سبج احوال اطلاع دهند

رئیس آقای تهرانى (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی تهرانى - عرضی ندارم

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین- بنده تذکرأ عرض میکنم در جلسه سبق ماده مطرح شد و مذاکرات در او کافی شد

چون همه برای رای گرفتن کافی نبود از این جهت ماند

رئیس- رای گرفته می شود بماده نهم

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس- تصویب شد

ماده دهم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۹۱ - در مورد فوت دادن اطلاع بمأمور سبج احوال باید در ظرف ۴۸ ساعت بعمل آید - دادن این اطلاع بمهمه دونفر از نزدیکترین اقربای ذکور شخص متوفی و در صورت نبودن اقربا ذکور به همده دونفر از نزدیکترین همسایگان او می باشد و هر گاه کسی در منزل دیگری فوت کرده دادن اطلاع بمهمه کسی است که فوت در منزل او واقع شده است و در مورد اشخاصی که دارای منزل ثابت است و اقربا نیستند اطلاع دادن بمأمورین نظمی است

رئیس- آقای سلطانی اجازه

آقا شیخ محمدعلی طهرانى - وضعیت این ماده طوری است که اسباب اشکال و زحمت خواهد بود زیرا غالباً سه طرف منزل انسان همسایانست و در این ماده می نویسد که دونفر از همسایگان مکلفند راپرت دهند و این معلوم نیست مقصود همسایه دست راست است یا دست چپ است یا همسایه شمال یا جنوب کدام است ؟

دو نفر را مابین سه نفر مکلف کردن این يك اجباری است که اسباب زحمت فراهم خواهد کرد

زیرا خبر ندارند وقتی که آنها را متع معا که می برند که چرا راپرت نداده اند هر کدام می گویند بمهمه من نیست و آن دیگری باید راپرت بدهد

پس اینطور قانون نوشتن معنی ندارد بعلاوه همسایه چه تصدیق دارد ؟ و باوجه ربطی دارد که اینکار را بکنند ؟

ملکیت نظمی دارد اداره دارد آنها مکلفند که اینکار را بکنند و راپرت بدهند همسایه بنده که در خانه اش نشسته چه خبر دارد که آن سر کوچه کسی مرحوم شده تا راپرت بدهد ؟ یا اگر بنا شود اینتقید را در قانون بنویسند همسایگان مکلف خواهند بود که بروند راپرت بدهند و حال آنکه اینکار را کتخدای محل نظمی باید انجام دهد و همسایه مربوط نیست و او تصدیق ندارد

رئیس (مخیر کمسیون) - خود آقای آقا شیخ محمدعلی بهتر می دانند که این مسئله وجوب کفائی دارد و همینقدر که دونفر از همسایگان مثلا همسایه دست چپ و راست خبر دادند دیگر تکلیف از همسایه سومى ساقط خواهد بود

از این جهت اشکالی ندارد

رئیس- آقای عظیمی (اجازه)

عظیمی- عرضی ندارم

رئیس- آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب- شرحی را که آقای مخیر

فرمودند بنظر بنده خیلی غریب و داین واجب کفائی که فرمودند در غسل میت است نه در اینکه همسایه مکلف باشد برود خبر بدهد اگر درست توجه بفرمائید ملاحظه خواهی فرمود که باین ترتیب هم مردم در مقابل نظمی مسئول خواهند بود .

زیرا مردم مجبور خواهند بود بروند خبر بدهند که همسایه ما مردم و فرض بفرمائید بنده گرفتارم نمی توانم بروم این راپرت را بدهم .

تقصیر من چیست که باید مجازات شوم من باید مجازات شوم برای اینکه همسایه ام فوت کرده است ؟

این واجب کفائی که آقای مخیر فرمودند در مورد غسل میت است و باین معنی هم نیست .

وقتی کسی ملیت را غسل داد از گردن دیگران تکلیف ساقط نمیشود .

اما در اینجا شما همسایه را مکلف می- اولاهما نظور که آقای طهرانى فرمودند ایشان همسایه خیلی دارد همسایه دست راست است دست چپ یا این را باین تکلیف بگردن کسی توجه است ؟

بطوریکه معروف است تا چهل خانه آن طرف منزل انسان جزو همسایه خواهند بود .

پس نظمی باید بیاید چهل خانه از این طرف چهل خانه از آن طرف منزل متوفی را مسئول قرار دهد و بگوید چرا راپرت ندادید .

این چیز غریبی است ؟

یا همسایه را نباید هیچوقت مسئول و مکلف قرارداد .

بلی اگر کسی در یک خانه مرده باشد ممکن است بگویند صاحب خانه خبر دهد که مثلا فلان آدم در خانه من فوت کرده .

ولی اینکه همسایه مکلف باشد فوت همسایه را اطلاع دهد این هیچ موجبی ندارد .

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است . و جمعی گفتند کافی نیست)

رئیس- رای می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می- دانند قیام فرمایند .

(همه قلبی قیام کردند)

رئیس- معلوم می شود کافی نیست

آقای کازرونى (اجازه)

کازرونى- مخالفم

رئیس- آقای آقا-بدیعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب- بنده خواستم توجه آقایان را بیک مسئله جلب کنم و آن این است که اگر ما انجام این امر را بمهمه نظمی

باقی بگذاریم آن وقت در واقع نظمی اجازه دادیم که همروزه در خانه او و از حال مرض یا فوت اشخاص استعلام کنند .

مسئله فوت يك مسئله است که باید در آن خیلی دقت کنیم در کسب هم در این باب دقت و مذاکرات زیاد را تا بالاخره اینطور قرارداد شد و بنده این ترتیب مخالفم که این کار را بمهمه نظمی بگذاریم زیرا آن وقت چنانچه مرض شد بنظمی اجازه می دهیم که روزوشب شب حق داشته باشد در خانه اشخاص وارد شده و تقیث کند بیند کسی مرده کرده نمرده است .

از آن طرف هم مسئله فوت چه از احوال خودش و چه از لحاظ موالید و سایر ترتیبات که باو مترتب است از قبیل ارث و غیره خیلی اهمیت دارد .

ويك چیز هائی است که تکلیف آنها در محکم رسمی باید معلوم شود .

خوب در این صورت چه باید کرد ؟

اینهم تقریباً يك واجب کفائی است کسانی که مطلع شدند باید راپرت بدهند از یک طرف قطعاً آقایان موافق نیستند که نظمی همه روزه شب و روز بمزاج اشخاص بریزند از طرف دیگر قضیه باید بر نظمی مکشوف شود .

و چنانچه عرض شد صلاح هم نیست که اختیار آزادی خوردمان را بمهمه نظمی بدهیم خاصه با اخلاق ما که وقتی با میگویم در وسط خیابان راه نرویم و از کنار جاده راه برویم بدمان می آید در این صورت با در نظر گرفتن این جهات چه باید کرد ؟

پس بهتر همین است که اطلاع فون را بطوریکه نوشته شده برعهده همسایه بوجوب قانون اسلام هم باید از حالت همسایه خودش مستحضر باشد .

بگذاریم و این هیبی ندارد .

و اینکه آقای طهرانى فرمودند همسایه شمالی - جنوبی - عقبی یا جلویی اینها يك اشکالاتی است توضیح داد شد آن همسایه اقرب این کار را بکنند .

در این قانونی که از همه جهت خیلی هم مهم است نباید اشکال تراشی کرد و موافقم که خبر دادن بمهمه همسایه باشد .

حالا همسایه دست راست نشد دست چپ دست چپ نشد همسایه پشت سری بهر حال جزئیات و متفرعات این قانون در نظامنامه نوشته خواهد شد .

وزارت داخله در نظامنامه که برای این قانون انشاء میکنند خواه نوشت که متلاول همسایه دست راست مکلف خواهد بود که راپرت بدهد و اگر او تخلف کرد دیگران خواهند داد و اشکالی ندارد .

رئیس- آقای کازرونى (اجزه)

کازرونى- بنده مخالفم که همسایه رادر قانون مکلف کنیم زیرا همسایگان يك مردمی هستند که مشغول کار و کاسبی خودشان هستند و نمیتوانند دائماً مراقب و مواظب باشند که کسی مرده و کسی زنده است .

ما قانون وضع میکنیم ؟؟

نظر اخلاقی در اینجا ملحوظ نیست چون ممکن است این مسئله اسباب زحمت و تولید اشکال بکند از این جهت بنده عقیده دارم که آقای مخیر قبول کنند لفظ همسایه از اینجا حذف شود .

معاون وزارت داخله - آقایان باید قدری توجه فرمائید که اساساً مقصود این است که فوت با دانه سبج احوال اطلاع داده شود .

حالا این فوت ممکن است باشکال مختلفه و در محلهای مختلفه واقع شود يك وقت است که يك کسی بحال عادی در میان خانه و اقوام و در منزل خودش فوت می کند

غلامحسین میرزا اگر این ماده باین ترتیب بگذرد چیز غریبی خواهد بود . زیرا هر کسی مجبور است که شبی يك مرتبه به خانه همسایه اش برود و بیند در آنجا کسی مرده و کسی زنده است و این اسباب زحمت برای مردم خواهد بود .

مخیر- بنده در قسمت مخیری لازم است نظریات و معتقدات اعضا کمسیون را بعرض آقایان برسانم . تا بعد آقایان مخالفین و موافقین خودشان صحبت بفرمایند در قسمت اول بنده گمان میکنم جوابی را که با آقای آقا شیخ محمد علی دادم کافی بود

ولی حالا نظریه کمسیون را عرض می کنم البته يك طبقه اشخاصی هستند که باصطلاح عوام دستشان بدنه نشان میرسد یعنی همیشه دارای اقربای نزدیک هستند و در خانه خودشان فوت می کنند .

اطلاع دادن برای این اشخاص هیچ اهمیت و زحمت ندارد . يك طبقه دیگرند که ممکن است اقربا و کسانی نداشته باشند در این مورد البته همسایه چون مطلع است باید اطلاع بدهد

در درجه سوم ممکن است يك کسی در خانه دیگری فوت کند در این صورت البته صاحبخانه یعنی کسیکه در خانه او این فوت واقع شده باید راپرت بدهد و يك دسته دیگر هستند که بیچاره ها در معابر و در کوچه ها فوت می کنند

البته این برعهده مأمورین نظمی است که اطلاع دهند این ترتیب طبقه بندی بود که کمسیون در نظر گرفته بود . البته تمام هم طبقاتی که در يك جامعه زندگانی میکنند بدیهی است که يك تکالیف و وظایفی نسبت بیکدیگر دارند و اینکه آقای غلامحسین میرزا فرمودند که اگر این ترتیب تصویب شود هر کس مجبور خواهد بود که هر شب برود در خانه همسایه اش و سرکشی بکند

از این جهت این تکلیف برعهده همسایه خواهد بود .

مراقی - آژان اطلاع دهد معاون وزارت داخله - آژان درس بست است

اگر کسی در کوچه فوت کند باید از احوال او اطلاع دهد

ولی از نوری خانه های مردم که آژان اطلاعی ندارند و عقیده بنده این مسؤلیتی را که مابرای همسایه قرار داده ایم گرچه خیلی کم اتفاق می افتد

ولی هیبی ندارد و ناچار بودیم مابین قید را بکنیم

زیرا وسیله بهتر دیگری نداشتیم و اگر بنا شود این قید را برادریم خیلی از اوقات اتفاق خواهد افتاد که اصلاً اطلاع فوت با دانه سبج احوال داده نخواهد شد

رئیس - آقای غلامحسین میرزا (اجازه)

غلامحسین میرزا اگر این ماده باین ترتیب بگذرد چیز غریبی خواهد بود . زیرا هر کسی مجبور است که شبی يك مرتبه به خانه همسایه اش برود و بیند در آنجا کسی مرده و کسی زنده است و این اسباب زحمت برای مردم خواهد بود .

مخیر- بنده در قسمت مخیری لازم است نظریات و معتقدات اعضا کمسیون را بعرض آقایان برسانم . تا بعد آقایان مخالفین و موافقین خودشان صحبت بفرمایند در قسمت اول بنده گمان میکنم جوابی را که با آقای آقا شیخ محمد علی دادم کافی بود

ولی حالا نظریه کمسیون را عرض می کنم البته يك طبقه اشخاصی هستند که باصطلاح عوام دستشان بدنه نشان میرسد یعنی همیشه دارای اقربای نزدیک هستند و در خانه خودشان فوت می کنند .

اطلاع دادن برای این اشخاص هیچ اهمیت و زحمت ندارد . يك طبقه دیگرند که ممکن است اقربا و کسانی نداشته باشند در این مورد البته همسایه چون مطلع است باید اطلاع بدهد

در درجه سوم ممکن است يك کسی در خانه دیگری فوت کند در این صورت البته صاحبخانه یعنی کسیکه در خانه او این فوت واقع شده باید راپرت بدهد و يك دسته دیگر هستند که بیچاره ها در معابر و در کوچه ها فوت می کنند

البته این برعهده مأمورین نظمی است که اطلاع دهند این ترتیب طبقه بندی بود که کمسیون در نظر گرفته بود . البته تمام هم طبقاتی که در يك جامعه زندگانی میکنند بدیهی است که يك تکالیف و وظایفی نسبت بیکدیگر دارند و اینکه آقای غلامحسین میرزا فرمودند که اگر این ترتیب تصویب شود هر کس مجبور خواهد بود که هر شب برود در خانه همسایه اش و سرکشی بکند

تصور میکنم این اشکال را برای منزل خودشان تصور می کردند که چون منزلشان وسیع است

از این جهت اگر کسی در همسایگی شان فوت کند ایشان ملذت نمی شوند . این دسته اشخاص ابدأ احتیاج ندارند که کسی برود خبر بدهد زیرا اینها اقربا دارند کس و کار زیاد دارند و تشییع جنازه شان بقدری متفصل خواهد بود که همه شهر از مسئله فوت مسبوق و مستحضر خواهند شد . ولی آن اشخاصی که کسی را ندارند و دارای منزل کوچک هستند البته همسایه باید خبر بدهد و این وظیفه همسایگی است که مادر اینجا منظور کردیم و بنده هیچ اشکالی در این ماده نمی بینم که اگر کسی فوت کرد و اقربا و نزدیکانی نداشت همسایه اش فوت او را اطلاع دهد . کما اینکه در درجه سوم ذکر شده

اگر کسی در خانه دیگری فوت شد صاحب خانه مکلف است فوت او را اطلاع دهد . و در درجه چهارم قید شده اشخاصی که نه خانه و نه زندگانی دارند و ممکنست در يك بیفوله هائی فوت کنند نظمی باید فوت را اطلاع دهد و اینها اشکالی ندارد . و زیر مابله بنده حالا به قانون مراجعه کردم .

خواستم از آقایان بپرسم چه توحش و ونگرانی از این مسئله دارند ؟ فرضاً هم همسایه زلفت اطلاع بدهد چه مجازاتی دارد ؟

بنده از مذاکرات همچو استنباط کردم کردم که بعضی از آقایان آن اهتئای کاملی را که باید باین قانون داشته باشند ندارند آقایان باید توجه داشته باشند که مسئله وفات ولادت و غیره اس اساس زندگانی اجتماعی است و چون هر چه زندگانی اجتماعی پایه اش محکم تر شود . بهتر است چه ضرر دارد که همسایگان هم خودشان را مکلف بدانند که از زندگانی همسایه شان مطلع باشند و فوت آنها را هم بدولت اطلاع بدهند این چه ضرر دارد ؟ يك عاقبت وخیمی که برای آنها ندارد

(بعضی از نمایندگان گفتند مذاکرات و جمعی گفتند کافی نیست)

رئیس- رای میکنیم آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .

(عدۀ قلبی قیام نمودند)

رئیس- معلوم میشود کافی نیست . بعضی از نمایندگان - تنفس .

رئیس- میفرمائید انفس بشود ؟ بعضی از نمایندگان - صحیحست .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس- کمسیون ماده ده سابق راپرس گرفته و ماده جدیدی پیشنهاد کرده است

قرائت می-ود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - در مورد فوت دادن اطلاع بمأمور سبج احوال باید در ظرف چهل و هشت ساعت بعمل آید دادن این اطلاع بمهمه نزدیکترین اقربای ذکور حاضر شخص متوفی است و در صورت نبودن اقربای ذکور بمهمه دونفر ساکنین خانه است که در آنجا فوت واقع شد . هر گاه کسی در منزل دیگری فوت کرده دادن اطلاع بمهمه کیست که فوت او واقع شده است و در مورد اشخاصی که دارای منزل ثابت و اقربا نیستند .

دادن اطلاع بمهمه مأمورین نظمی است .

رئیس - آقای دامغانى (اجازه)

دامغانى - اگر چه حالا همسایه را (که دولت استرداد کرد است) البته موظفت اخلاقاً از همسایه اش اطلاع داشته باشد مخصوصاً با اوامر اکیدی که صادر شده است در قانون اسلام که همسایه باید اطلاع از حال همسایه داشته باشد و مخصوصاً است که يك تکالیفی را قانون اسلام مقرر کرده برای همسایه مثلا گفته است نزدیک ترین اشخاصی که مکلف بقلان تکلیف هستند

بعد از ارحام همسایه است و این نقطه نظر است که دستور داده اند اگر همسایه آخوشست عیادتش کنید و اگر گرسنه است سیرش کنید و غذا باو بدهید و همراهی کنید .

و خیلی کم اتفاق می افتد که يك همچو قضیه در خانه واقع شود و همسایه اش مطلع نشود .

برای اینکه دادو قال و آه و ناله بلند میشود .

علی ای حال حالا که استرداد کرده اند بنده هم موافقم و يك توسعه شد بحال ما همسایه ها که در قانون سبج احوال معید و مکلف نباشند .

عرض میکنم قانون کفائی (که آقای دستغیب اشکال فرمایند)

قانون کفائی نوشته نمیشود و در اینجا معین نشده است که دونفر از اقربای ذکور شخص متوفی در چه حد و چه طبقه باید باشد .

زیرا ممکنست شخص متوفی اقربای ذکور در يك درجه و يك طبقه بنسبت مساوی زیاد داشته باشد

مثلا بکنفر مرده پنج نفر عمو دارد حالا کدامیک از این ه نفر عمو مشولند ؟ دونفر عمو که بیشتر نباید مشول باشند .

این دونفر که خواهد بود ؟ آیا هر پنج تایی اینها مکلفند با دونفر بطور تغیر مکلفند یا اینکه هر کدام را

باشد تکلیف چیست؟
آنوقت معلوم نیست مسئولیت متوجه کی است .
از اینجهت بنده پیشنهاد کردم تکلیف متوجه قسالت باشد .
مخبر- عبارتی که در ماده چهارده نوشته شده است این نظریه آقا را تأمین میکند و کافی است .
رئیس- رای میگیریم پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(چند نفری برخاستند)
رئیس ، قابل توجه نشد .
یک پیشنهاد دیگری هم هست که در هوش دادن اطلاع ، اطلاع دادن نوشته شود .
رئیس- مخالفی ندارد ؟
بعضی از نمایندگان- خیر ؟
(ماده ده مجدداً قرائت شد)
رئیس - بر حسب تقاضای آقای کازرونی ماده باید تجزیه شود .
کازرونی - بنده استرداد میکند رئیس - رای گرفته میشود بماده ده .
آقایان موافقین قیام فرمایند .
(جمعی قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .
ماده یازده ،
(بعضی ذیل خوانده شد)
ماده ۱۱ - در موقع ازدواج باطلاق نامهرامضای مجری صیغه باطلاق نامه را باامضای مجری صیغه نخواست اظهار نماید .
در موردیکه طلاق مستقیماً از طرف خود زوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دونفر شاهد کافی خواهد بود .
مأمورسجل احوال باید خلاصه سواد مزبورفوق یا اظهار زوج وشهود را در دفتر مخصوص و رفته هویت زوجین ثبت کند .
ثبت قطعی طلاق بعد از آن است که تفکیک قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج باید قید شود که دفعه چندم است نمونه نمره ونمره .
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
طهرانی- اینجهت میگویم در موقع ازدواج باطلاق سوادای مجری صیغه مبرسانند .
بنده خیلی تاسف میخورم که نماینده دولت موضوع را موکول کرده بنظامنامه اولاً در این مواد ماده جزائی منظور نیست اگر ماده جزائی منظور نشود این باید بسایب باید معنائی ندارد .
و اگر ماده جزائی در قانون نباشد در اینصورت يك قانون اخلاقی است يك نفر معلم اخلاقی يك قانون اخلاقی

می نویسد که چون اینکار در مملکت خوب است باید همسایها اینکار را بکنند .
باید زوج فلان کار را بکنند .
اگر نکرد چه خواهد شد ؟
هیچ .
بنده در اینجا در این دو سه ماده هیچ ندیدم که مواد جزائی برای متخلف ز قانون باشد ثانیاً اینجا نوشته عقدنامه با طلاق نامه را باامضای مجری صیغه برسانند خوب اگر مجری صیغه نخواست اینکار را بکنند و گفت من نمی نویسم در اینصورت مجری صیغه را چکارش میکنید ؟
میکند ؟
يك ماه حبس تأدیبش میکنند ؟
اینها را باید معلوم کرد .
والا يك نظامنامه می نویسد که حکم قانون را پیدا خواهند کرد و وقتی که اینطور شد آنوقت زمینه است برای مجازات جزائی و مجازات جنحه و جنایت و اشخاصی را حاضر میکنند و از روی آن نظامنامه و قانون با آنها رفتار میکنند قانون باید يك کیفیت خاصی داشته باشد که معلوم باشد تخلف از این ماده چه مجازاتی دارد .
ولی این جا ابدأ مجازاتی برای متخلفین از قانون پیش بینی نشده است .
و این جاهیچ الزامی نیست از برای آن کسی که طلاق داده یا ازدواج نموده است یا آن کسیکه مجری صیغه است .
تا اینکه مکلف باشد مستقیماً بلافاصله تصدیق اظهارات را با اداره سجل احوال ارسال دارد .
خاصه اینکه ما عملاً در تهران از وقتی که قانون سجل احوال بصورت عمل در آمده است .
خیلی از مجری های صیغه رادیده ایم که گفته اند ما نمی توانیم این کار را بکنیم و نمی نویسیم هیچ چیز هم نموده است که آنها را ملزم نماید .
در اینصورت این قسمت ها باید در قانون پیش بینی شود که معلوم باشد معاون وزارت داخله در ماده بیست و چهارم برای اشخاصی که از انجام تکالیف خودداری می نمایند مجازاتی مقرر شده است .
در اینصورت این نظر حضرت تعالی تأمین شده است .
اما اینکه مجری صیغه نخواست اظهار نامه را تصدیق کند یا اطلاع بدهد البته هرکس ممکن است نخواهد يك تکلیفی را انجام دهد .
ولی وقتی که قانون وضع شد برای اینست که مجری بشود و مردم هم باید خودشان را مطیع قانون بدانند و تکالیفی که برایشان معین می شود انجام بدهند جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی

است .
(بعضی گفتند کافی نیست)
رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است .
آقای شریعت زاده پیشنهاد کرده اند ولی خودشان حاضر نیستند .
مخبر- قرائت بفرمائید .
(پیشنهاد مذکور بشرح ذیل خوانده شد)
ماده ۱۱ مأمور سجل احوال مکلف است در مواقع ازدواج سوادای از عقدنامه و در موقع طلاق سوادای از طلاق نامه را باامضای مجری صیغه و امضای یک نفر شاهد گرفته ضبط نماید .
در موردیکه خوداشوهر بدون دخالت شخص ثالث مجری طلاق باشد اظهار مشارالیه و شهادت دو نفر شاهد بوقوع طلاق کافی خواهد بود مأمور سجل احوال باید خلاصه جریانات قانونی راجع با ازدواج و طلاق را با اشاره بمواد قانونیه مربوطه بآن در دفتر مخصوص و در ورته هویت زوجیت ثبت کنند .
ثبت طلاق وقتی عمل خواهد آمد که طلاق و تفکیک قطعی شده باشد و در ثبت ازدواج باید قید شود که دفعه چندم است نمونه نمره ۶ .
رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
شریعت زاده - این پیشنهاد بنده در واقع دو قسمت اطلاع است يك قسمت اصلاح عبارتی است و يك قسمت اصلاح مطلبی است و بنده در آنچه ها که خود زوج مجری صیغه است یک نفر شاهد را کافی میدانم و قسمت دیگر هم که مربوط باصلاح عبارتی است .
مخبر - اینجا که در موقع طلاق با ازدواج متقدم شده است با اضافه سواد عقدنامه یا طلاق باز دونفر شاهد بیارود از نقطه نظر استحکام امر بوده است .
برای اینکه مسئله سجل احوال خاصه این قسمت ممکن است باعرض و نوامیس مردم راجع شود .
باین جهت بوده است که کمیسیون در نظر گرفته است که هر قدر قادر باشد طوری کند که در آتیه اسباب زحمت برای عالمه مردم فراهم نشود .
دیگر حالاً موضوع یک نفر بسته است بنظر مجلس .
اما در اصلاح عبارتی هم آنچه بنده فهمیدم چندان باین طوری که در ماده است فرق نمیکند .
رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قسالت توجه نشد . پیشنهاد آقای سلطانی (بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه در موردی که ازدواج اضافه شود .
رئیس - بفرمائید .
سلطانی - اینجا در عبارت اول نوشته بود در مورد ازدواج باطلاق انجام باید نوشته شود .
در موردیکه ازدواج و طلاق بدون دخالت شخص ثالث .
رئیس - میگیریم مقابل توجه بودن پیشنهاد آقای سلطانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(عده قلیلی برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقایان رضوی و طهرانی (بعضی آنی قرائت شد)
پیشنهاد می نمایم سطرسیم ماده ۱۱ بترتیب ذیل اصلاح شود .
در موردی که صیغه طلاق مستقیماً از طرف زوج واقع میشود اظهار زوج و شهادت دونفر مستمعین طلاق کافی خواهد بود .
رئیس - آقای رضوی و طهرانی (اجازه)
رضوی - بنده واگذار با آقای طهرانی میکنم ایشان توضیح میدهند .
رئیس - بفرمائید .
طهرانی - عرض میکنم این قانون را که می نویسد از برای حفظ آثار وضعی شرعیه است و وقتیکه در دفتر سجل احوال نوشتند که طلاق بین زوج و زوجه واقع شد آن وقت رسماً زوج و زوجه ندارد و زوج هم واقع شد رسماً زوج است و زوجه هم زوجه است یعنی آثارش بر او مترتب میشود و شرعاً و قانوناً اینجا موافق مذهب امامیه دخالت شخص ثالث حتماً در طلاق باید باشد .
زیرا ممکن نیست زوج بثنهائی منفرداً بتواند زوجه را طلاق بدهد و دونفر مستمع لازم دارد .
پس بنابراین اینجا شاهد شاهد اظهارات است نه شاهد وقوع چون آثار شرعیه و قانونیه بر این قانون سجل احوال مترتب می شود باید نوشته شود در صورتیکه زوج خورش مطلق باشد باید دو نفر از مستمعین محضر طلاق شهادت بدهند .
تا آثار شرعیه که ما از زوج و زوجه نسبت بطلاق میخواهیم بدست بیاید و بموجب این قانون آن آثار برش مترتب بشود .
مخبر - این قسمت در کمیسیون کاملاً مورد دقت واقع شده و این قسمت يك جهانی داشته است که بنده مجالته توضیح آن را مقتضی میدانم ولی بدممكن است در خارج

بغیر آقا عرض کنم در این مورد مراجعه هم شده است و گمان میکنم با آن اطلاعاتیکه بکمیسیون رسیده است عیبی نداشته باشد و ضرری هم بجائی برساند .
رئیس- رای میگیریم پیشنهاد آقای طهرانی آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس- تصویب شد .
آقای حاج میرزا اسدالله خان (اجازه)
حاج میرزا اسدالله خان- بنده تقاضا میکنم این جمله هم اضافه شود .
یادر موردیکه اظهار زوج بثنهائی کافی است همان اظهار زوج کفایت داشته باشد .
رئیس- چون این ماده مراجعه میشود بکمیسیون اگر پیشنهادی دارید بنویسید بدهید بکمیسیون پیشنهاد آقای میرزا پداله خان .
(بعضی ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد می نمایم در ماده یازده صفحه دوم سطر اول شاید حذف شود .
رئیس - بفرمائید .
آقای میرزا پداله خان- در اینجهت می نویسد؛ در موردیکه طلاق بدون دخالت شخص ثالث و مستقیماً از طرف خود زوج واقع میشود اظهار زوج با شهادت دونفر کافی خواهد بود این عبارت حاکی است که طلاق بدون دخالت شخص ثالث صورت میگیرد بنابراین باز کر این عبارت دیگر شهادی لازم نیست .
رئیس- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(عده کمی برخاستند)
رئیس- قابل توجه نشد پیشنهاد دیگری آقای میرزا پداله خان (بعضی ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۱ صفحه دوم سطر اول بعد از کلمه واقع میشود اینطور نوشته شود ؛ در صورت معروفیت اظهار زوج کافی و الا اظهار زوج با شهادت دونفر کافی خواهد بود .
رئیس- بفرمائید .
آقای میرزا پداله خان مقصود بنده در اینجا این است که مثلاً یک نفر مجتهد میخواهد يك زنی که دارد طلاق بدهد در اینصورت گمان نمی کنم از برای این مسئله دو نفر شاهد لازم باشد بل یکی آن شخص غیر معروف باشد ضرر ندارد و نفر شاهد داشته باشد دیگر بسته است بنظر آقایان .
رئیس- آقایانیکه باین پیشنهاد موافق هستند قیام فرمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس- قابل توجه نشد رای گرفته میشود بماده یازده .
بعضی از نمایندگان - ارجاع شد به کمیسیون

رئیس- بلی ارجاع شد بکمیسیون ماده سیزده .
(بعضی آنی خوانده شد)
ماده ۱۳ قبالات وغسالها باید در ظرف ۲۴ ساعت مأمور سجل احوال را در صورت امکان کتباً یا شفاهاً از وقوع تولد و فوت مطلع سازند در صورت تخلف از ۲۴ ساعت تا يك هفته و در صورت تکرار از يك ماه شش ماه حبس خواهند شد .
رئیس- آقای طهرانی (بعضی آنی خوانده شد)
طهرانی- عرضی ندارم .
رئیس- آقای شریعت زاده شریعت زاده- مخالفی ندارم .
بعضی از نمایندگان- مخالفی ندارد .
رئیس- رای میگیریم آقایان موافقین باین ماده قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس- تصویب شد بماده بیست و نهم .
رئیس- آقای شریعت زاده شریعت زاده- مخالفی ندارم .
بعضی از نمایندگان- مخالفی ندارد .
رئیس- رای میگیریم آقایان موافقین باین ماده قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس- تصویب شد بماده بیست و نهم .
ماده ۱۸ در کلیه دفاتر سجل احوال اعداد باید با تمام حروف بضمیمه ارقام هندسی نوشته شود و تاریخ شمسی باشد و باتاریخ میزنی نیز تطبیق شود .
رئیس- آقای طهرانی (اجازه)
طهرانی- عرضی ندارم .
رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب- بنده خواستم بمخبر معترض تذکر بدهم که اینها مواد قانونی نیست اینها باید در نظامنامه نوشته شود .
اعداد حروفی باشد هندسی باشد فلان باشد اینها اجایش در قانون نیست .
مخبر- بنده تعجب می کنم بعضی اوقات يك چیز های خیلی جزئی که واقعاً در نظامنامه هم لازم نیست قید بشود و بلکه باید فقط بوسیله احکام اداری اجرا بشود تمام مملکت ابلاغ بشود مقید هستند که در قانون ذکر بشود .
ولی يك قضیه که راجع است با اساس قانون آنوقت می فرمایند باید از قانون خارج شود .
اساس این قانون فقط دفاتر سجل احوال است و اینکه آن دفاتر چه طور باید باشد آنوقت این را می فرمایند باید از قانون خارج شود در هر صورت کمیسیون متقدم است که این ماده باید باشد .
جمعی از نمایندگان گمان می کنند که این ماده باید باشد .
رئیس- رای گرفته میشود بماده هجده .
آقایان موافقین قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد بماده بیست و چهار .
(باین ترتیب خوانده شد)
ماده ۲۴ - پس از يك سال از اجرای سجل احوال در هر محل کسانی که ورقه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که در مورد

جهانش محفوظ باشد را باید ملاحظه کرد که فلان مأمور که ماهی بیست تومان حقوق می گیرد اگر خیانتی از او سرزند از کجا دارد جبران نماید ؟
مردم ؛ فلان شاگرد تاجر یا فلان شاگرد دکان اگر معامله بکنند باعتبار همان تجارتخانه است این آدم راهم که مردم نمی شناسند باطمینان و اعتماد دولت میروند سجل احوال می گیرند و خودشان را معرفی می کنند .
بنده باطمینان موسسه دولتی و موسس آن که دولت است می روم سجل احوال میگیریم بنا بر این عقیده بنده این است که اگر خسارتی وارد بیاید بهر جهت باید دولت مسئول باشد که بگیرد و بدهد و اگر هم آتشخص مقصر نداشت باید خود دولت بدهد والا اگر اینطور عمل نکند موجب سلب اطمینان و اعتماد مردم از دولت میشود .
بنده بچه مناسب میروم بيك نفر شخصی که هیچ اورا نمی شناسم هویت خودم را اظهار کنم ؟
فقط بصرف اینکه نماینده دولت است میروم اینکار را می کنم و با اطمینان و اعتماد دولت است .
بنا بر این عقده بنده اینست که دولت باید عهده دار بشود که اگر خسارتی وارد آمد بگیرد و بدهد و پیشنهادی هم که در این زمینه کرده بودم کمیسیون در کرده است .
و به مجرد اینکه دولت مسئول اشخاص نیست نمیشود این حرف را قبول کرد چه طور برای همسایه و برای يك اشخاصیکه هیچ چوه من الوجود مسئولیتی متوجه آنها نیست مسئولیت قائل می شوند .
ولی در اینجا این مسئولیت را از دولت سلب می نمایند تا وقتی راجع بر مردم مذاکره می شود آقای مخبر میفرمایند چون مسئله عمومی است ایده هم مردم شرکت داشته باشند و مسئولیت اشتراکی در بین باشد ولی دولت را می گویند نباید مسئول باشد .
و در هر صورت بعقیده بنده نمی شود دولت را از مسئولیت مبری کرد .
ولی با نصد نفر اشخاص دیگر را بدون جهت مسؤل قرارداد .
معاون وزارت داخله - این فلسفه را که آقای محمد هاشم میرزا ذکر کردند بنده تصور می کنم منافی با همان مسئولیت دولت باشد .
رئیس- دکتر آقایان (اجازه)
دکتر آقایان- موافقم .
رئیس- شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)
محمد هاشم میرزا - علی ای حال يك قانون عمومی که نوشته می شود برای تأمین حقوق مردم است و این قانون هم که نوشته می شود برای تأمین حقوق و طلاق و عقد و ارث مردمی باید طوری تدوین شود که همه

باشد چه علت دارد که دولت از همدۀ تصویب او بر آید؟

آقا تصور نمیفرمایند اگر این قضیه سابقه شود آنوقت دولت باید تمام مالیه اش را برای جبران خسارات بدهد؟ این بهیچوجه منطقی نیست. دولت يك قوانینی را رعایت می کند و بموقع اجرا میگذارد.

افراد هم هر کسی مسئول عمل خودش است در مقابل کارش و البته اشخاص چه خسارت معنوی چه خسارت مادی وارد بیاورند بحکم محکمه باید مجازات شوند.

رئیس- آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس- می گیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- اکثریت است. پیشنهاد آقای سلطانی.

(بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که در آخر ماده ۲۷ اضافه شود در صورتیکه دارا باشد والا از طرف دولت جبران خواهد شد.

رئیس- آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی بنده ناچارم معتصر توضیحی عرض کنم. می فرمایند دولت نمی تواند این وظیفه را عهده دار شود! دولت غیر از ملت نیست.

ملت هم غیر از دولت نیست. البته ملت که پول می دهد برای رفع حوائج خودش است.

در مصارف زکوة هم يك موردی که معین شده این است کسانی که قرض دارند و نمی توانند قرض خودشان را بدهند از مال زکوة میشود بآنها داد که قرض خودشان را بدهند.

اینها يك چیزهایی است که اگر خسارتی متوجه کسی شد دولت باید از بیت المال بدهد دولت مال خودش که نیست مال ملت و مردم است اگر خسارتی وارد شد باید دولت بدهد زیرا همان مأمور خود دولت است.

بنده عقیده ام اینست که این عبارت باید باشد والا هر مأموری يك خسارتی وارد می آورد و بعد هم ادعای افلاس میکند و يك خسارت هتکلتی مردم خورده و بدون نتیجه میماند.

معاون وزارت داخله - بنده اگر چه جواب آقایان را عرض کرده ام ولی يك نکته را هم باید اضافه کنم و آن این است که اگر در قانون همچو قیدی بشود راجع به مسئولیت دولت این در واقع اجازه توسیلی است که مأمورین بهیچوجه قدرت کارهای

خودشان نکنند.

زیرا هر خسارتی که بمردم وارد بیاورند عملاً یا سهواً یا مقصوداً برایشان ندارد خودشان که جبران نمی کنند بعهده دولت است و این قسمت راهم که عرض کردم بنده موید دلائل سابق الذکر خودم فراموشی هم باز هم عرض میکنم که بهیچوجه دولت نمی تواند با این پیشنهاد موافقت نماید.

رئیس- آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (هده کمی برخاستند)

رئیس- تصویب نشد. رأی میگیریم ماده ۲۷ آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده العاقبه پیشنهاد آقای تدین (باین مضمون خوانده شد) (ماده ذیل را بمنوان ماده العاقبه پیشنهاد می نماید.)

ماده العاقبه - در موردیکه تولد در کشتی واقع شود پدر و در نبودن او مادر مکلف است تولد را فوراً بناخدا کشتی یا قائم مقام اطلاع داده پس از آن تصدیق بگیرد و آن تصدیق را در اولین بندر ایران یا بندر خارجه که نماینده ایران در آنجا باشد بضمیمه اظهارنامه بمأمور دولت داده و رفته هویت تحصیل نماید.

مخبر- قبول می کنم.

رئیس- قبول می کنید؟

مخبر بلی.

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- در صورتیکه بنا باشد جمیع مواقع اتفاقاً در نظر بگیریم باید فراموش نکنیم که این قضیه برای مکاری ها هم اتفاق می افتد که مسافری نشان یامی میرند یا وضع حمل می کنند و بعلاوه ما قریباً لایحه راه آهن می گذرانیم و همچنین موارد دیگر هم ممکن است اتفاق بیفتد. و اگر بنا شود که ما این قبیل اتفاقات در کشتی راهم تکلیفی برایش معین کنیم (در صورتی که غالباً مسافرت های دریائی از حدود مأمم خارج است) اولی این است که برای راه آهن و مکاری هم يك تکلیفی در نظر بگیریم.

زیرا باید به حال طبیعی خودشان گذاشت یا باید جمیع موارد اتفاقاً در نظر گرفت.

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین- بنظر بنده این موضوع یکی از موضوعات مهمه است و باید این نظر مورد توجه آقایان واقع شود زیرا مملکت ما از در طرف منتهی بدریا می شود و البته امیدواریم در آتی هم خودمان دارای کشتی های زیاد بشویم

مستله راه آهن را نمیشود مقایسه کرد با کشتی زیرا بالاخره او در هر ساعتی که می رود بيك آبادی میرسد یا بهمان توقیفگاه های خودش میرسد و بعلاوه در خط آهن مأمورین دولتی هست اینرا نمی شود مقایسه کرد با کشتی

موضوع کشتی بنظر بنده اینطور آمد که پیشنهاد کردم حالا بسته به نظر آقایان است

رئیس- رأی می گیریم باین ماده العاقبه که ماده سه و سه خواهد شد. آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. پیشنهاد آقای یاسائی (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۵۵ قانون سجل احوال که تصویب شده نقض و ملغی گردد

رئیس- شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا- در آنجا نوشته بودند که اگر لقب داشته باشد. اگر داشت البته خواهد گفت و اگر نداشت نخواهد گفت (همه باین نمایندگان)

محمد هاشم میرزا- توجه فرمائید القاب موجوده بر فرض لغو شده باشد هیچ مانع از این نیست بعد يك کسی دارای يك لقب تازه ای شود (همه نمایندگان)

محمد هاشم میرزا - آقایان بگذارید حرفم را بزعم اگر خارج از موضوع است آقای رئیس باید جلو گیری کنند

ممكن است يك کسی لقب داشته باشد و بعدا بیاید اینجا متوطن بشود و هیچ لازم نیست این ماده حذف شود و بالاخره القاب نقض شده هیچ مانع این نیست که القاب تازه داده شود

رئیس- آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی- بنده هم مخالفم بعد از يك موافق عرض میکنم

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

رئیس- آقایان مذاکرات را کافی می دانند؟

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - رأی گرفته می شود با التاء ماده ۵ آقایان موافقین قیام فرمایند (هده قلیلی قیام نمودند)

رئیس- تصویب نشد

چند فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده است باید قرائت شود (بشرح ذیل خوانده شد)

آقای یحیی خان زنکنه بواسطه قضیه

خبر فوت صیبه شان بوسیله آقای میرزا عبدالله خان معتد تقاضای يك هفته مرخصی نموده بودند چون کمیسیون عذرایشان را موجه دانسته مرخصی ایشان را تصویب می نماید

رئیس- رأی گرفته می شود بر مرخصی يك هفته آقای یحیی خان زنکنه. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

آقای میرزا رضاخان افشار نماینده محترم بواسطه عارضه مرض سیاتیک فرق النساء تقاضای دو ماه مرخصی از مجلس شورای ملی نموده اند که ابتدای مرخصی از بیستم خردادماه بوده شد کمیسیون اجازه ایشان را یکماه از تاریخ فوق تصویب می نماید

رئیس- رأی گرفته می شود. آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

آقای اخگر نماینده محترم به واسطه عارضه کسالت مزاج تقاضای یکماه مرخصی از پنجم خرداد ماه از مجلس شورای ملی نموده اند کمیسیون عذرایشان را موجه دانسته اجازه یکماه آقای اخگر را تصویب می نماید

رئیس- رأی می گیریم بر مرخصی يك ماهه آقای اخگر. آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

شاهزاده غلامحسین میرزای سعیدی نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج سوءاضعا و روماتیسم تقاضای دو ماه مرخصی از یازدهم خرداد ماه برای معالجه نموده اند نظر به اینکه آقای دکتر احتشام الحکماء کسالت مزاج ایشان را تصدیق کرده اند کمیسیون عذرایشان را موجه دانسته تصویب می نماید

رئیس- آقایانیکه مرخصی شاهزاده غلامحسین میرزا را از یازدهم خرداد دو ماهه تصویب می نمایند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس- تصویب شد

آقای میرزا جوادخان امامی نماینده محترم برای اصلاح امور شخصی و خانوادگی از مجلس شورای ملی تقاضای اجازه سه ماهه مرخصی نموده اند که باذربا بپان برونه سه ماهه تصویب می نماید

رئیس- آقای تدین (اجازه)

رئیس- بهتر اینست که يك ماده نظام داخلی مجلس مثل آن ماده ای که در قانون استخدام کشوری هست نوشته شود که نمایندگان سالی یکماه یا دو ماه حق مرخصی دارند با استفاده از حقوق. همچو ماده ای که نیست. برای تصفیه امور شخصی. آيا موجب می شود که اجازه مرخصی داد آنهم با

استفاده از حقوق؟ بنابراین این اصل را اگر مجلس قبول بکند آنوقت فردا هر کس این تقاضا را بکند مجلس هم باید رأی بدهد بنده از این نقطه نور عرض می کنم حالا اگر عنوان دیگری باشد آن موضوع علیجده ای است ولی فقط بدلیل اینکه می خواهد بمأمور شخصی رسیدگی کند نمی شود

رئیس- آقای سرکشک زاده (اجازه)

سرکشک زاده- بنده اجازه را با آقای دادگروا گذار می کنم

رئیس- آقای دادگرو (اجازه)

نظام التولیة- اجازه می فرمائید رئیس (خطاب با آقای دادگرو)- آقا تأمل فرمائید آقای مخبر توضیح بدهند

نظام التولیة- ماده نظام نامه ای که در اینخصوص هنوز تهیه نشده و از این قبیل اجازه ها هم تا کتون خیلی داده شده و تا زگی ندارد. آذربایجانهم البته راهش دور است نزدیک که نیست و آقایان نمایندگان محترم هم ماشاءالله خیلی هستند بنابراین اشکالی ندارد

رئیس- آقایانی که مرخصی سه ماهه آقای امامی را از یازدهم خرداد تصویب می فرمایند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. برای دستور جلسه سه شنبه پیشنهادهای رسیده است قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای اعتبار- بنده پیشنهاد می کنم خبر کمیسیون بودجه راجع به مستمریات بست و تلگراف در درجه اول جزو دستور شود

رضوی- بنده مخالفم

رضوی- بانو ضیاعانی که بنده در اول جلسه دادم و آن نظوری که آقای فاطمی اظهار فرمودند گمان می کنم آن لایحه ارتمام این لوایح مقدم تر است. قانون مجبزی بعقیده بنده اول قانونی است که باید در این مملکت معمول و مجری شود تا تکلیف مالیات بدهها و تکلیف بودجه مملکتی معلوم شود از این جهت است که بنده معتقدم آن لایحه مقدم تر است

رئیس- آقای اعتبارالدوله (اجازه)

اعتبارالدوله- بنده هم موافقم که قانون مجبزی جزو دستور شود ولی همانطور که آقای مخرها اظهار داشتند سه چهار جلسه وقت لازم دارد و از طرف دیگر مستمریات سه ۱۳۰۳ است و تلگراف را وزارت مالیه تا بحال نیرداخته است و اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند هم روزه در وزارت پست و تلگراف جمعی زن و بچه جمع می شوند برای این جزئی حقوقاتی که دارند و بیچاره ها همینطور منظر و معطل مانده اند و بنده تصور میکنم اگر آقایان موافقت

بفرمایند این مسأله چند دقیقه بیشتر طول ندارد چون آقایان همه از وضعیت این اشخاص مستعظرنند

رئیس- آقایانی که تقاضای آقای اعتبارالدوله را تصویب می فرمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

پیشنهاد آقای حائری زاده (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم راپرت کمیسیون بودجه نمره ۷۵۵ راجع به مدارس بزد جزو دستور جلسه آتی باشد اول دستور

حائری زاده- در درجه دوم باشد

رئیس- آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده- پیشنهاد بنده در درجه دوم باشد اشکالی ندارد چیزی است که حرفی در اطرافش زده نخواهد شد يك مستمری است که آقایان مشیرالدوله و مؤتمن الملك و معاضد السلطنه برای مدارس آنجا تخصیص داده اند و گمان نمیکنم چندین محتاج بصحبت زیاد باشد

رئیس- آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی- بنده در اصل موضوع کاه لا موافقم ولی همانطور که در اول جلسه توضیح دادم تصور میکنم بهتر این است که لایحه بشوینکها جزو دستور شود و تکلیفش معلوم شود بنده بی جهت عرض نمی کنم اینها فشار بدولت میآورند که تکلیفشان را معلوم کنند و مدت کمی هم بیشتر به انقضاء کمتر اتشان باقی نماند و البته اگر مجلس هم تصویب نکند باید اینها بمانند

بنابراین خوب است در درجه دوم لایحه بلزیکها باشد و در درجه سوم هم همین پیشنهاد که آقا کردند

رئیس- رأی می گیریم. آقایانی که پیشنهاد آقای حائری زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال (بشرح آتی خوانده شد)

تقاضای نماینده شوربانی قانون مجبزی جزو دستور جلسه سه شنبه باشد

رئیس- بفرمائید

آقا شیخ جلال- در درجه سوم باشد اگر وقت نشد جزو دستور جلسه بعد باشد

رئیس- رأی می گیریم بتقاضای آقای آقا شیخ جلال (اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

پیشنهاد دیگری از آقای کازرونی رسیده است ولی گمان نمیکنم دیگر وقتی باقی بماند

(مجلس نیم ساعت از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی - م شهاب منشی- دکتر احتشام طباطبائی

جلسه يكصد و هفتاد و ششم صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ مطابق دهم ذی قعدة ۱۳۴۳ (مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس یکشنبه دهم را آقای آقا شیخ هادی طاهری قرائت نمودند)

رئیس - آقای حشمتی (اجازه)

حشمتی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای نجات (اجازه)

نجات - بعد از صورت جلسه عرض دارم

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - در صورت مجلس آقای یحیی خان زنکنه را غایب بی اجازه نوشته بودند در صورتی که ایشان از کمیسیون اجازه خواسته بودند و تصویب هم شده

رئیس - آنکه تصویب شد مال سابق بود غیبت بریزور را گویا کمیسیون اجازه نداده آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم

رئیس - نسبت بصورت جلسه مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - آقای حشمتی (اجازه)

حشمتی - از دوره چهارم تا کتون تقریباً چهار سال است موضوع امتیاز فقط شمال خاطر تمام ملت ایران بلکه خارجی ها را راجع خودش متوجه کرده است حالیه از قراریکه شنیده میشود

کمیانی سینکلر کناره گیری کرده و کناره گیری خود را اطلاع داده است. با اینکه از طرف ملت ایران از نقطه نظر خوش بینی فوق العاده که بددلت و ملت نجیب آمریکا داشته کمال تسهیل و مساعدت هم نسبت بآن امتیاز بعمل آمده بود معذالك اینطور پیش آمد کرده است و چون این يك موضوع فوق العاده اقتصادی است برای